

۲۶ مارس ۲۰۲۶ - ۶ فروردین ۱۴۰۵

فاشیستهای جنگ طلب و بازار داغ توبه!

فواد عبداللهی

در حالیکه حمله نظامی آمریکا - اسرائیل به ایران تاکنون نفس در سینه صدها میلیونها انسان حبس کرده و به یک جنبش عظیم ضد جنگ دامن زده است، هفته گذشته مسیح علینژاد در پاسخ به خبرنگار سی ان ان که میپرسد: "به‌هرحال نتیجه تحقیقات معلوم شده و آمریکا مسئول کشتن ده‌ها کودک مدرسه‌ای است. زدن مخازن و پالایشگاه نفتی، باعث بارش بارانهای سمی در تهران شده. آیا از این مسائل نگران نیستی؟"

پاسخ میدهد: "ولی مادران از ایران با من تماس می‌گیرند و می‌گویند، اگر بچه‌هایمان را جمهوری اسلامی بکشد باید پول هم بدهیم ولی اگر با بمباران کشته شوند، پولی نمی‌دهیم".

این میزان از کراهت در صحبت های علینژاد فقط قابل مقایسه با لجنزار صدای و سیمای حاکمیت اسلامی است که چند هفته پیش، قبل از شروع جنگ، با طرح سوالی چهار گزینه ای در مورد نحوه نگهداری پیکرهای معترضان کشته شده با لودگی تمام گفت: "جمهوری اسلامی جنازه ها را در چه یخچالی نگهداری میکند؟ ۱- یخچال ساید بای ساید ۲- دستگاه بستنی ساز ۳- فریزر سوپرمارکتی ۴- یخ فروش هستم کاسبی ما را به هم نزنید؟"

این میزان از قباحات در چرتکه کشیدن و نرخ گذاری علینژاد روی درد مادران داغ دیده را حتی نزد آنها که در دادگاه نورنبرگ به جرم جنایت علیه بشریت، انسانها را کرور کرور در کوره های آدم سوزی فاشیسم هیتلری زنده زنده سوزاندند، یافت نشد.

حتی با وجود اینکه وزارت خارجه آمریکا هم تأیید کرد که زدن مدرسه میناب کار خودشان بود، و مدیر "مرکز ملی مبارزه با تروریسم" در آمریکا به دلیل انتقاد از سیاست های جنگی واشنگتن در قبال ایران از سمت خود استعفا داد، حتی با وجود اینکه پس از زدن میدان گاز پارس جنوبی توسط

کردستان میدان به تباهی کشیدن جامعه نیست!

صفحه ۵

به فراخوان نیروهای نیابتی اسرائیل در استکهلم نه بگوئید

صفحه ۶

رفیق توفیق پیرخضری از میان ما رفت!

صفحه ۶

موجودی بنام "دیاسپورا ایرانی" وجود ندارد!

ثریا شهابی

چند سالی است که دستگاه هویت تراشی های کاذب "ایدئولوژیکی" در غرب، در مورد مردمی که اساسا خود و نسل های قبلی شان در غرب متولد نشده اند، بر اختراعات و اکتشافاتش، بخصوص در سالهای اخیر و در گرما گرم جدال های سیاسی در مورد ایران، افزوده است. در کنار هویت تراشی قبلی و "ایرانی تبار" خواندن ۴ تا ۹ میلیون نفر از شهروندانی که در اروپا و آمریکا کار و زندگی میکنند، کسانی که خود یا نسل های قبلی شان، به دلایل سیاسی، یا اقتصادی یا اجتماعی، بعنوان پناهنده سیاسی یا مهاجر به کشورهای دیگر نقل مکان کرده اند، ناگهان همگی صاحب "هویت" جدیدی شدند! بر گردن جملگی شان، عنوان دهان پرکن و طوق شیک "دیاسپورا ایرانی" انداخته شد. به این ترتیب تلاش شد که این جمعیت عظیم را از هر نوع هویت شهروندی، انسانی، طبقاتی، شغلی، و سیاسی و بخصوص تفاوت های بنیادین "پاک سازی" کنند!

تلاش کرده اند که در کنار هویت های مهاجر، مسلمان، خارجی، بیگانه، مهمان و تروریست، به آنها هویت "جدید" ببخشند. تمام چند میلیون جمعیتی، که نه فقط به بهانه "فرهنگی" و "تاریخی" و "زبانی" که اساسا بدلیل ارتباط "خونی" و "ژنتیکی" به نوعی به ایران ارتباط دارند را در یک بسته بندی با مشخصات انسانی، طبقاتی، سیاسی و اجتماعی "مشترک" گنجانده اند تا همه را با هم "قضاوت" کنند! بخصوص در تقابل های سیاسی و اجتماعی، به زور تبلیغات آنها را متعلق به "یک صف واحد" قلمداد کنند! ارتباط خانوادگی، اجتماعی و

صفحه ۳

باتلاق جنگ ویرانگر! "ما کمر راست میکنیم"

مظفر محمدی

صفحه ۷

کودکان زیر آوار، قربانیان تصمیم های دور دست

شهلا رضایی

صفحه ۳

برنامه های فعالین حزب در انگلیس علیه جنگ

صفحه ۹

آزادی برابری حکومت کارگری

قضا آنها را کنار دست ماشین سرکوب جنایتکاران اسلامی در ایران قرار میدهد. کشتار کشتار است؛ سرکوب سرکوب است؛ جنایت جنایت است؛ چه توسط جمهوری اسلامی در این چهل سال صورت گرفته باشد، چه توسط بمب افکن های آمریکا - اسرائیل، تحت هیچ بهانه ای قابل توجیه نیست؛ هدف وسیله را توجیه نمیکند. اینها پیاده نظام مفلس مکتب نسبییت گرایبی اند؛ مکتب "آزاد" بازار و "دمکراسی غربی" که از آزادی و خوشبختی تا حق حیات و آزادی بیان، در آن نسبی است؛ مقررات و ضوابط نسبی است؛ مطلوبیت یا محکومیت تروریسم، نسل کشی، جنگ و کشتار نسبی است. مکتبی که امروز در جهان غرب به ورطه فروپاشی افتاده است، در ایران تحت نام "آزادسازی" مملکت به کمک آتش بیاران معرکه ویرانی، هزاران نفر را با ریاکاری و تبلیغات جنگی به کام مرگ فرستاد و صحنه را برای جنگ مهیا ساخت.

راه بازگشتی برای این طیف فالانژ دست راستی و مفلوک باقی نمانده است. باید کمک کرد که هرچه سریع تر شر این اپوزیسیون راست و فالانژهای آن از سر جامعه کم شود؛ کسی که از دیدن جنازه های مردم مثله شده و جامعه جنگ زده، ککش نمیگردد، گور سیاسی و اجتماعی خود را در آینده تحولات سیاسی ایران کنده است. توبه این جماعت کارساز نیست؛ کسی که تا دیروز با منطق بمباران و حمله نظامی برای "به خیابان کشاندن مردم" حرکت میکرد و جامعه را زمین سوخته میخواست به امید اینکه به نان و نوایی برسد، امروز به قول نیویورک تایمز یک بازنده به تمام معناست.

۲۶ مارس ۲۰۲۶

اسرائیل، ترامپ هر چند فرمال، اظهار بی خبری کرد و آن را تایید نکرد، اما کسی از دهان پادوهای جنگ طلب اپوزیسیون راست ایران از قماش علینژاد لام تا کام یک کلمه انتقاد یا تاسف از کشتار مردم و بمباران زیرساخت ها نشنید. برعکس شاهزاده بیمایه شان به مناسبت کشته شدن سه سرباز آمریکایی پیام تسلیت خود را تقدیم ارباب خود کرد. نقل است که میگویند کل این دار و دسته مدافع جنگ و بازگشت به گذشته، روی فاصله بین تالار رودکی تا مثل فو بنا شده و معلوم است که "میناب" و "پاس جنوبی" را حتی نمیتوانند روی نقشه پیدا کنند چه رسد به این که برای قربانیانش متاسف باشند.

جامعه ایران علنا این جبهه راست را به باد لعن و نفرین گرفته و مجبورشان کرده که توبه کنند. رضا پهلوی، که تا دیروز از مشاورش سعید قاسمی نژاد که تا دیروز عضو ستاد کروی بود و امروز عضو "تینک تانک" بنیاد "دفاع از دمکراسی" (FDD) در واشنگتن است، دستور میگرفت که گویا بمباران زیرساختهای اقتصادی ایران بویژه نفت، گاز و برق به تضعیف جمهوری اسلامی می انجامد و باعث قوت قلب و "رهایی" مردم ایران میشود، اکنون زیر فشار موج انزجار مردم از این اپوزیسیون دست راستی و جنگ طلب، رنگ عوض میکند و خواهان "حفظ زیرساختها" میشود. مسیح علینژاد هم به دنبال دو جین پروپاگاندا جنگی، زیر ضرب فضای عمومی ضدجنگ، مجبور به توبه شد و به ترامپ در مورد زدن زیرساختها هشدار داد!! انگار اینها تازه متوجه شده اند که ویران کردن جامعه چه تبعاتی دارد؛ و گویا مردم بیاد ندارند که اینها علنا از بمباران و حمله نظامی به عنوان اهرم "نجات بخش" دفاع میکردند و روی بمباران شریانهای جامعه و بی ثباتی و فقر و هراس و فرسایش زندگی مردم تحت عنوان "کمک رسیده است" شرط بندی کرده بودند. خیر این شیداها میدانستند و میدانند جنگ یعنی کشتار، یعنی ویرانی و آوارگی، یعنی به خون کشیدن امروز و آینده چند ده میلیون انسان در ایران و با علم به این واقعیت بر طبل جنگ کوبیدند، برای آن لابی کردند و میدیا و "ژورنالیستها" و "کارشناسان" بی شرمتر از خود را بعنوان دستگاه تبلیغات جنگی و خوش خیم و انسانی کردن جنگ، بمباران، کشتار و ویرانی به جان مردم ایران انداختند.

هیچ انسانی سراغ نداریم که از دورویی و دهن دریدگی این عمه های مدافع جنگ، دلش آشوب نگیرد و وجودش به خشم نیاید. منطق اینهاست که روی جان انسانها نرخ تعیین کند؛ در قاموس اینهاست که جان آدمیزاد مهم نیست، مهم اینست که چه کسی و برای چه هدفی جان انسان را بگیرد؛ اینها با گستاخی تمام و در کمال آرامش روی تلی از اجساد تکه پاره شده بچه های مردم خم می شوند تا برای بمباران جامعه ایران توسط زرادخانه نظامی آمریکا - اسرائیل، دلیل بتراشند. میخواهند "کشتار" انسان و تعرض به جان شهروندان توسط بمب افکن های آمریکا - اسرائیل را برای مخاطب، قابل تحمل کنند. اما این قبل از هر چیز، روند دگردیسی جنگ طلبان دو آتش به قاتل و جانی را نشان میدهد. افاضات و تبلیغات جنگی برای "رهایی مردم ایران" و "نبرد آخر" و "ایران را پس میگیرم" عمه اکره اپوزیسیون راست و جنگ طلب را باید در قاب گرفت و به گردن شان آویزان کرد. این یک لایحه ی جنایتکارانه در حمایت از بمباران جامعه ایران و دفاع تمام قد از جنگ و قتل عام فرشی شهروندان است. اینها با توجیه کشتار بچه های مردم، قیه ای دیگر از جنایت بر شانه هایشان سنجاق کردند. نباید اجازه داد توبه نامه بیمایه شان را بعنوان پرونده "دفاع از جامعه و مردم"، "دفاع از زیرساختهای جامعه" زیر بغل بزنند و دوباره سر بلند کنند.

تقابل ما کمونیست ها با مشتکی گانگستر جنگ طلب و طالب کشتار برنامه ریزی شده که در اپوزیسیون راست ایران جا خوش کرده اند، تنها بر سر آلتزناتیو و شیوه اداره جامعه نیست؛ بلکه تفاوت بر سر نفس نگاه به حقوق انسان و انسانیت هم هست؛ پایکوبی اینها روی جنازه کودک مدرسه و کارگر صنعتی، نقطه شروع تحولی بنیادین در اپوزیسیون راست ایران است که از



برای آزادی و برابری به حزب حکمتیت پیوندید

کودکان زیر آوار، قربانیان تصمیم های دور دست

شهلا رضایی

خانه ها ویران می شوند
 زیرساخت ها یکی یکی خاموش می شوند
 و زندگی، آرام اما بی رحم، در تاریکی فرو می رود
 اما درد فقط این نیست
 درد آن جاست که کسانی، دور از این خاک، در امنیت کامل، از جنگ حرف می زنند
 از ادامه اش، از شدت گرفتار شدن انگار نه کودکی زیر آوار می ماند نه مادری هر شب با ترس به خواب می رود
 شما برای چه کسی تصمیم می گیرید؟
 برای مردمی که صدایشان را نمی شنوید؟
 برای کودکانی که حتی فرصت فهمیدن این بازی های مرگبار را ندارند؟
 این جنگ ناعادلانه ایست که به نام نمایش قدرت، بر مردم تحمیل شده است
 مردمی که هیچ نقشی در این تصمیم ها ندارند
 و در این میان، یک حقیقت را نمی توان پنهان کرد
 بمباران مناطق غیرنظامی که هیچ توجیهی برای آن وجود ندارد
 برای هدف قرار دادن هزاران زندگی، برای کشتن کودکانی که نه سیاست می فهمند، نه جنگ
 این فقط جنگ نیست این شکستن انسانیت است
 مردم ایران، میان آتش جنگ، تصمیم های بی رحمانه، و شعارهای دور از واقعیت، تنها مانده اند
 از یک سو
 خانه هایی که خاموش می شوند، زیرساخت هایی که فرو می ریزند، زندگی ای که نفسش بریده می شود
 از سوی دیگر
 صداهایی از پشت مرزهای امن، که برای سر نوشت مردمی نسخه می پیچند.
 برای آنانی که هر لحظه زیر سایه ترس زندگی می کنند
 اینجا، حقیقت چیز دیگریست ایران آرام آرام خاموش می شود نه فقط از صدای جنگ،
 بلکه از نبود چیزهایی که زندگی را ممکن می کند
 وقتی چراغها روشن نمی شوند، وقتی آب جاری نیست، وقتی بیمارستان ها دیگر توان نفس کشیدن ندارند
 آن وقت می فهمی
 جنگ فقط در خط مقدم نیست جنگ در خانه هاست در سفره های خالی
 در دل کودکانی که دلیل تاریکی را نمی فهمند اما ترس را خوب می شناسند
 این ویرانی فقط ساختمان ها را نمی گیرد
 زندگی را آهسته و بی صدا از مردم می گیرد
 کودکانی که رویاهایشان زیر آوار می ماند،
 مادرانی که دیگر هرگز نمی توانند فرزندان شان را در آغوش بگیرند،
 انسان هایی با بدن های سوخته و تکه تکه به عدد تبدیل می شوند،
 در حالی که هر کدام، یک جهان بودند
 من از سرزمینی می نویسم که هنوز ایستاده اما خسته است
 از مردمی که هنوز امیدوارند اما زخم هایشان عمیق است
 جهان فقط اعداد را می شمارد اما هر خاموشی یک داستان دارد و ما انسان ها
 و جان های عزیز را از دست می دهیم
 این صدا، فقط یک روایت نیست شهادتیست بر آنچه بر مردم ایران می گذرد
 و ما فریاد می زنیم نه برای سیاست، بلکه برای زندگی.
 سکوت نکنیم زیرا سکوت، شریک یک ویرانی بزرگسیت تاوانش را مردم با
 جان خود و فرزندان شان خواهند پرداخت.

۲۶ مارس ۲۰۲۶

موجودی بنام "دیاسپورا ایرانی"

ثریا شهابی

سیاسی آنها با خانواده، محل کار و زندگی شان را قطع کنند. آنها را "بیگانه" و دارای منطق و عقل و شعور متفاوت و غالبا غیر قابل درک قلمداد کنند! همکار و همسایه بودن آنها با کل جمعیت جغرافیایی محل کار و زندگی شان را "بی مصرف" و شهروندی شان را به "کاغذ پاره" ای تبدیل کنند. یعنی اساسا همان کاری که جنبش نژادپرستانه، راسیستی و راست افراطی در عمل روزمره سیاسی خود انجام میدهد، اما زیرکانه و ریاکارانه با "اعطا" یک نشان "افتخار" تعلق به "دیاسپورا"ی ایرانی!

اگر بتوان همه سوخت و سازهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی اکثریت جمعیت ایالات متحده آمریکا را، به خاطر زبان، مذهب و پیشینه تاریخی با برجسپ های "دیاسپورا بریتانیایی" ارزیابی و قضاوت کرد، اگر بتوان شهروندان اروپایی و آمریکایی را بدلیل پیشینه تاریخی خود یا اجداد خانوادگی در تقابل های سیاسی و اجتماعی اینگونه دسته بندی کرد، و همگی آنها را عضوی از "دیاسپورا" های ملی و قومی سراسر جهان دانست، در مورد جمعیت چند میلیومی شهروندان با پیشینه ایرانی، عراقی، افغانی، سوریه ای و ... هم میتوان کرد!

اگر پوشاندن لباس "دیاسپورا" این و آن "ملیت" و "قومیت" برتن شهروندان اروپایی و آمریکایی بنظر "مجهور" می آید، اگر نتوان علاوه بر شهروندان، هیئت حاکمه آمریکا و اسرائیل را گروه هایی شامل انواع دیاسپوراها، ترامپ را نماینده "دیاسپورا بریتانیایی" و همسرش ملانیا را نماینده "دیاسپورا اسلونیایی" و نزدیکانش را "دیاسپورا اسرائیلی" و ... دسته بندی کرد، نمی توان جمعیت میلیونی که در خارج از کشور زندگی میکنند را "دیاسپورا ایرانی" دسته بندی کرد.

اما نه! آمریکا و کشورهای غربی را باید جوامع متمدنی دانست! جوامعی که در آن چپ و راست و فاشیست و راسیست و کمونیست و سوسیالیست و لیبرال و فمینیست و بانگدار و اقتصاد دان و سیاستمدار و تاخر و صاحب بیزینس و معلم و کارمند و کارفرما و کارگر و طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر و متفکر و نویسنده و مفسر سیاسی و فعال محیط زیست و ... دارد. این تفاوت های واقعی و زمینی و عینی را، در مورد این بخش از شهروندان نمی توان نادیده گرفت! عنوان "دیاسپورا" هرچند که در مورد آمریکایی باشد که بخش اعظم ۳۵۰ میلیون شهروند آن پیشینه بریتانیایی و اسپانیایی و ایتالیایی و پرتغالی دارند، برای این جوامع تولید نشده است! قواره تن جوامع عقب مانده ای است که به سادگی میتوان از آنها هویت زدایی کرد و برایشان هویت های کاذب اختراع کرد!

اما این دسته بندی، که از طرف راست افراطی اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج از کشور، از ترامپ تا آقای پهلوی، قاپیده شده و خود را نماینده آن می دانند، نه ناشی از اشتباه بیانی است و نه اشتباه اجتماعی یا سلیقه!

این دسته بندی کار کرد خاصی دارد که بخصوص راست افراطی که از تفرقه در صفوف شهروندان از آن سود می برد.

اطلاق عنوان "دیاسپورا ایرانی" به جمعیت وسیعی از شهروندان در کشورهای غربی که در دهه هشتاد میلادی و پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی ناچار به فرار از ایران شدند و زدن مهر آن بر پیشانی نسل های بیشتری که با موج های بعدی فرار ناچار به ترک ایران شدند، یا نسلی که در غرب متولد شده است، یک هویت تراشی کاذب با اهداف سیاسی روشن است. این هویت تراشی نه برای به اصطلاح درک فرهنگ پناهنده و مهاجر و .. که برای جلوگیری از پیوستن این شهروندان به صف های خود، در کشورهای جدید است! کارگر و معلم و سوسیالیست و فمینیست و متفکر و فیلسوف و فعال محیط زیست و فعال حقوق زنان و کودکان با پیشینه ایرانی و ... مقدماتی متعلق به "دیاسپورا ایرانی" هستند تا از این سکو با جامعه در مورد موجودیت غیرقابل تشخیص و غیرقابل درک و غیرقابل هضم خود، وارد سوخت و ساز شوند.

جمعیت میلیونی شهروندان کشورهای غربی با پیشینه ایرانی، فاقد هویت قومی و ملی مشترک اند. اپوزیسیون جمهوری اسلامی که در میان این بخش از شهروندان، بدلیل همان پیشینه، قریب نیم قرن است که فعال است، اپوزیسیون و احزاب و شخصت های مخالف جمهوری اسلامی ایران اند که موجودیت خود را بعنوان جریانات و شخصیت های سیاسی هم در کشور محل کار و زندگی و هم در ایران، ابراز میکنند. خود و خانواده هایشان عضوی همچون همه اعضا جامعه و شهروندان برابر با غیرفارسی زبانان هستند. این طیف از فعالین سیاسی، کمونیست، سوسیالیست، آتیست، فاشیست، کارگر، کارفرما، کارکنان جامعه هستند و بخشی از این جوامع اند که بعنوان کارگر، کارفرما، پزشک، معلم ←

کارگران کمونیست

حزب حکمتیست (خط رسمی)، سنگر

اتحاد طبقاتی و تشکل حزبی شما

است.

به این حزب پیوندید!

سایت های آثار رفیق اعظم کم گویان

آغاز به کار کرد.

آرشیو آثار سیاسی و تلاشهای نظری رفیق اعظم کم گویان در دو سایت "بیاد اعظم کم گویان" و سایت "بی خدایان" توسط رفیق کورش مدرسی تهیه و راه اندازی شده اند.

قطعا نقدهای تیز و عمیق اعظم به جهان امروز میتواند ابزاری در دست علاقمندان کمونیسم، مدافعین آزادی و رهایی زن، فعالین رهایی طبقه کارگر در جدالهای سیاسی باشد.

آدرس سایتها:

بیاد اعظم کم گویان:

<https://azam-kamguyan.koorosh-modaresi.com/>

بی خدایان:

<https://bikhodayan.koorosh-modaresi.com/>

حزب حکمتیست (خط رسمی)

و ... در این جوامع زندگی، کار و فعالیت سیاسی میکنند.

کمونیست و سوسیالیست و مدافع حق کارگر و حق زن، با پیشینه ایرانی؛ اپوزیسیون ضد پاک سازی فاشیستی اسرائیل از فلسطینیان، اپوزیسیون ضد جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران، اپوزیسیون مدافع حق زن در ایران، بخشی از جنبش ضد جنگ، ضد فاشیست، ضد راسیست و جنبش آزادی زن و جنبش کارگری در کشورهای غربی و عضوی از آن کلوب است!

اپوزیسیون طرفدار اسرائیل و فاشیست و سلطنت طلب، جنگ طلب طرفدار پاک سازی قومی و جنایات اسرائیل در غزه، عضو کلوب فاشیست ها، کلوب نتانیاوها، ترامپ ها، نیجل فراژها و لوپن ها، در کشورهای غربی و در جهان است!

عنوان کاذب "دیاسپورا ایرانی"، که صفتی از بی هویت ترین بخش های لمپن و چاقوکش و باندهای جنایی را به میدان آورد، امری در خدمت بولد کردن و بزرگ کردن صف فاشیست های با پیشینه ایرانی است. نباید آن را پذیرفت!

دستگاهی که پس از هویت تراشی نژاد پرستانه "نسبیت فرهنگی" برای محروم کردن مردمی که بر پیشانی خود و کودکانشان مهر "مسلمان" و "خارجی" و "شرقی" و "عقب مانده" زده بودند، از ابتدایی ترین حقوق انسانی و شهروندی، تولید جدیدی به بازار "مغزشویی" جهانی اضافه کرده است. "دیاسپورا ایرانی" مدل جدید و امروز بدرد بخورتری است. بخصوص در جدل سال های اخیر راست افراطی با جمهوری اسلامی ایران و باز شدن فضای سیاسی برای راست افراطی!

پس از بهره مند شدن کافی از کارکرد نژادپرستانه "نسبیت فرهنگی" و تقسیم شهروندان جوامع غربی به "ما ها" و "انها"، "مسلمانان" و "مسیحیان" "خارجی" ها و "داخلی" ها و ..، تقسیم بندی که امروز جوامع غربی را میدان عروج انواع دستجات جنایی و فاشیستی کرده است که امثال ترامپ ها و نتانیاو ها را بر صدر صندلی قدرت جهانی نشانده است، کالای جدید و "شیک" دیگر بنام "دیاسپورای ایرانی" عرضه شده است که کار نیمه تمام آن راسیسم را از دریچه ایران به سرانجام "خوش" برساند!

"دیاسپورا ایرانی" هویتی کاذب و دروغین برای سرپوش گذاشتن بر اختلافات بنیادین سیاسی و جنبشی در صف دشمنان جمهوری اسلامی است. این دسته بندی در خدمت تبدیل چند میلیون شهروند با پیشینه ایرانی، علیرغم تفاوت های بنیادی سیاسی-اجتماعی و طبقاتی به قبیله ای بی شکل و بی هویت است. قبیله ای که به حزب و سازمان و مقررات و ضوابط جدل سیاسی، نیازی ندارد. تلاشی است برای تبدیل آنها به جمعیت بی شکل و از هویت تهی شده ای است که بتوان به سادگی شخصیت بیمایه ای مانند رضا پهلوی را، چون ریش یک قبیله نماینده همه آن ها قلمداد کرد! صف عقب مانده ای که به هیچ مبارزه سیاسی متمنانه ای نیاز ندارد. تنها نیازمند آن است که لمپن- فاشیست های این جمعیت چند میلیونی را به اندازه کافی تهییج و تشجیع و به انواع ابزارهای قرون وسطایی در جدال های سیاسی مجهز کرد، و آنها را پشت سر ترامپ و نتانیاو، با کاتالیزوری رضا پهلوی به خط کرد! "شاهزاده" را نماد قبیله "دیاسپورا ایرانی" میکند که همگی فاشیست، پرو ترامپ و نتانیاو هستند و ایشان میتواند جنگجوهایش را "کلاکس کلان" وار به چوب و چماق و قمه مجهز و در مقابل کاخ سفید هلهه کشان و پایکوبان برای "پس گرفتن ایران"، به جنگ بفرستد!

هویت تراشی کاذب "دیاسپورا ایرانی"، تلاشی علیه تمام دستاوردهای مبارزاتی تکنونی سازمان ها و احزاب اپوزیسیون مترقی، چپ و سوسیالیستی جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج از کشور است. تلاشی برای ضربه زدن به اتحاد این صف، که دست در دست جنبش بشریت متمدن علیه نسل کشی اسرائیل در غزه دارد است. برای ضربه زدن به اتحاد صف ضدحمله آمریکا و اسرائیل به ایران، در داخل و خارج از ایران است و در خدمت قدرتمند کردن فاشیسم جهان امروز در هیئت های حاکمه اسرائیل و آمریکا!

۶ فروردین ۱۴۰۵

۲۶ مارس ۲۰۰۶

کردستان میدان به تباهی کشیدن جامعه نیست!

دراخبار آمده است که نمایندگان سه «حزب کردستان» به دعوت موسسه ای به نام "موشه دایان" درتل آویو گفتگو کرده اند. دراین اجلاس حسین یزدان پناه رئیس "پارت آزادی کردستان" (پاک)، اهوون چیاکو عضو "شورای رهبری پژاک" و فریبا محمدی معاون "دبیر کومه له زحمتکشان" (جناح رضا کعبی) حضور داشته اند. هر سه نماینده رابطه میان "کرد و یهودیان" را استراتژیک دانسته و بر "لزوم تضمین های سیاسی و نظامی اسرائیل جهت مشارکت کردها در عملیات مستقیم و زمینی علیه جمهوری اسلامی" تاکید کرده اند.

در رابطه با این سناریو مروری بر اتفاقات این دوره برای آگاهی بیشتر مردم ضروری است.

- عبدالله مهدی پیش‌تر در گفت‌گو با «نیوزویک» از آمادگی نیروهای "کرد" برای "آزادسازی" کردستان ایران، کنترل شهرها و "حفاظت از مردم" در صورت دریافت حمایت هوایی ایالات متحده سخن گفته و این را "اقدامی در جهت تقویت روحیه عالی برای قیام مردم ایران" تعریف کرده است. مهدی مدعی شده که، چند هزار جنگجو یا پیشمرگه تحت فرمان آن‌ها در عراق حضور دارند و ده‌ها هزار جوان در کردستان ایران هستند که اگر حمایت و حفاظت دریافت کنند حاضراند سلاح به دست بگیرند.

- خالد عزیزی سخنگوی حزب دموکرات کردستان ایران در دیدار با "مؤسسه‌ی یهود برای امنیت ملی آمریکا" در ۱۶ مارس گفت: "ترامپ ممکن است دخالت زمینی در ایران داشته باشد، اما نه با نیروهای آمریکایی" و مدعی شده است که "مردم کردستان آماده قیام هستند، اما به حمایت بیشتر آمریکا نیاز دارند!"

- ترامپ یک هفته پس از حمله نظامی به ایران با احزاب کردستانی ایران و رهبران کرد عراقی گفتگو کرده پیشنهاد "پوشش هوایی گسترده آمریکا" و "حمایت لجستیکی برای گروه‌های مسلح کرد جهت عبور از مرز عراق به ایران و بیرون راندن نیروهای رژیم" را مطرح کرد. به گفته یکی از رهبران کرد عراق، پیام او این بود که "کردها باید در این نبرد یک طرف را انتخاب کنند، یا در کنار آمریکا و اسرائیل باشند یا در کنار ایران". با وجود اینکه ترامپ ظاهراً این پروژه را منتفی اعلام کرده است، اما این توطئه و تهدید کماکان بقوت خود باقی و همگی منتظر فرصت اند!

مردم کردستان در عراق و سوریه بهای سنگینی برای چنین همکاری ها و حمایتها، در جهت تامین "منافع مشترک استراتژیک" احزاب ناسیونالیست کرد با آمریکا و اسرائیل پرداخته اند. همکاری هایی به نام "احقاق حقوق مردم کردستان"، به نام "دفاع از مردم کردستان در مقابل تبعیض های دولتهای حاکم"، به نام "دفاع مشترک در مقابل داعش" و عملاً کردستان را به پایگاه نظامی آمریکا و اسرائیل تبدیل کردند.

احزاب ناسیونالیست کرد و باندهای ارتجاعی و بی ریشه ای مانند پژاک، حزب پاک و "کومله" مهدی یا کعبی قصد دارند اینبار مردم کردستان را به گوشت دم توپ جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران تبدیل کنند. این نیروهای ارتجاعی با علم به اینکه شانسی برای موفقیت این طرح، حتی زیر حمایت بمب افکنهای آمریکا و اسرائیل، وجود ندارد، با علم به اینکه جمهوری اسلامی آماده مقابله تمام عیار با نیروهای آنان است و کردستان به میدان جنگی ارتجاعی تبدیل خواهد شد، کماکان دست از آمادگی خود برای ایفای چنین نقشی بر نداشته است.

مردم کردستان از این تجارب تلخ درس گرفته اند. امروز این واقعیت که منافع استراتژیک این نیروهای ارتجاعی با دولت فاشیست اسرائیل، در مقابل منافع مردم در کردستان و سراسر ایران و در دشمنی عیان با آن است، را بخش وسیعی از مردم میدانند.

امروزه ترامپ و نتانیاهو برای خروج از بن بست جنگ تلاش میکنند از نیروهای نیابتی از جمله ائتلاف احزاب شش گانه کرد بعنوان پیاده نظام خود استفاده کنند. این تبهکاران میخواهند ناکامی در جنگ

ویرانگرشان را با تبدیل جوانان کردستان به گوشت دم توپ جبران کنند و زمینه یک جنگ داخلی و سناریوی سیاه را فراهم نمایند. در این شرایط احزاب قومی کردستان، فرقه مجاهدین، نئوپهلویست های تبهکار و دیگر فرقه های قومی و مذهبی در بلوچستان و خوزستان میروند تا زمینه ساز یک جنگ داخلی و سناریوی سیاه و شریک جرم فجایع این جنگ ویرانگر و خانمانسوز شوند. این سناریوی نابودی جامعه است.

مردم آزادیخواه کردستان!

کردستان انقلابی نباید به دام جنگ جنایتکارانه ترامپ و نتانیاهو و نیروهای نیابتی آنان بیفتد.

اجازه ندهید جریانات قومی در نقش نیابتی های اسرائیل و آمریکا کردستان را وارد باتلاق جنگ کنند. با صدای رسا و قاطعانه دست رد به سینه این نیروهای تبهکار و ضد انسان بزنید. اعلام کنید و نشان دهید که مردم کردستان نمیخواهند جزئی از جنگ اسرائیل و آمریکا و سرباز پیاده نظام نتانیاهو باشند.

این یک حقیقت غیر قابل انکار است که اهداف این جنگ ربطی به آزادی مردم کردستان و ایران ندارد. هدف اسرائیل تبدیل کردستان به بخشی از منطقه نفوذ خود است. ترامپ آشکارا گفته است که "هر کس از درون جمهوری اسلامی سر کار بیاید و به هیچ دمکراسی هم پایبند نباشد اما با آمریکا بسازد، کافی است." این گانگستر جهان امروز، میخواهد با زور و تهدید و جنگ، رقبای اقتصادی خود بویژه چین را از مدار خارج سازد. شما مردم شریف و انساندوست و آزاده کردستان اعلام کنید، نمیخواهید جزئی از این جنگ و آدمکشی جنایتکاران کاخ سفید و نتانیاهوی نسل کش و مجرم تحت تعقیب، باشید!

این جنگ ما نیست. کردستان انقلابی در تمام طول حیات ننگین جمهوری اسلامی کانون مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه و الگویی برای سراسر ایران بوده است. مردم کردستان راهی جز تعیین سرنوشت خود با اراده و تصمیم قاطع و اتکا به جنبش های اجتماعی تا کنونی در همبستگی کامل با کارگران و زحمتکشان سراسر ایران از جمله جنبش آزادی زن و دستاورد شگفت انگیزش، اعتصابات کارگری، اعتصاب عمومی و خیزش و قیام گرسنگان...، ندرند!

جنگ ویرانگر کنونی هیچ ربطی به آزادی و منفعت و سعادت و رفاه ما ندارد. این جنگ تا همین امروز هم جز کشتار و ویرانی و بی خانمانی و هراس و مصیبت و خطر جنگ داخلی و سناریوی سیاه برای مردم ایران نداشته است.

کشتار جمعی کودکان، کشتار کارگران توسط جنگنده های آمریکا و اسرائیل، جامعه ما را به تلی از خاک و خون تبدیل کرده است. نتانیاهو میخواهد ما را در منگنه جنگ کثیف خود و نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی قرار دهد. آمریکا میگوید ما سربازان خود را به کشتن نمیدهیم. ولی از تبدیل جوانان کردستان به گوشت دم توپ ایابی ندارد.

مردم آزادیخواه کردستان اجازه نخواهند داد جوانان و فرزندان شان گوشت دم توپ یک جنگ خانمانسوز و قربانیان یک فاجعه انسانی بشوند. نتانیاهو و ترامپ مبشران مرگ و نیستی و تبدیل کشور به یک سرزمین سوخته و ویران اند. این جنگ ما نیست. هوادارن و نیابتی های این جنایتکاران در کردستان جایی ندارند. ما خواهان قطع فوری و بدون قید و شرط جنگ هستیم. پایان جنگ امکان کمر راست کردن و ادامه به مبارزه حق طلبانه و آزادیخواهانه مان را علیه جمهوری اسلامی، برای رفاه و آزادی و برابری فراهم میکند.

حزب حکمتیست (خطر رسمی)

۲۹ اسفند ۱۴۰۴ - ۲۱ مارس ۲۰۲۶

به فراخوان نیروهای نیابتی اسرائیل در استکهلم نه

بگوئید!

سایت باند مجاهد فراخوانی مشترک از طرف این باند و ۵ جریان ناسیونالیست کرد (حزب دمکرات، پژاک، پاک، خبات و سازمان زحمتکشان) برای تجمعی در استکهلم در شنبه ۱۴ مارس منتشر کرده است.

فراخوان دهندگان این تجمع هواداران جنگ و حمله به ایران، مدافعان اسرائیل و آمریکا و همکاران آنها در جنگی هستند که ۱۴ روز است جامعه ایران و منطقه را وارد دوره ای سیاه و خونین کرده است. اینها جریاناتی هستند که رسماً اعلام کرده اند آماده اند نقش پیاده نظام نیروهای اسرائیل و آمریکا در جنگی جنایتکارانه را به عهده بگیرند.

تجمع به نام همبستگی با مردم ایران در حقیقت تجمع اعلام وفاداری به اربابان خود، امریکا و اسرائیل، است. این تجمع تلاش این باندهای ضد اجتماعی برای خوش خدمتی به جنایتکاران جنگی و قاتلین مردم غزه و ایران است. شرکت در این تجمع نیوستن به این صف ارتجاعی و ضد مردمی است.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) از همه آزادیخواهان، از همه مردم صلح دوست و مخالف جنگ، میخاهد که به فراخوان این جریانات که عملاً و رسماً به نیروی نیابتی امریکا-اسرائیل در این دوه پر مخاطره تبدیل شده اند، نه بگویند. به سینه این مرتجعین جنگ طلب دست رد بزنید و علیه دو جبهه ارتجاعی، اسرائیل-امریکا و جمهوری اسلامی بایستند. از مردم آزادیخواه ایران و منطقه، از صلح، از انسانیت و پایان فوری جنگ حمایت کنید.

هواداران اسرائیل و امریکا و جمهوری اسلامی جایی در میان ما ندارند.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۳ مارس ۲۰۲۶ - ۲۲ اسفند ۱۴۰۴



رفیق توفیق پیرخضری از میان ما رفت!

با کمال تأسف روز دوشنبه ۲۳ مارس قلب مهربان رفیق توفیق پیرخضری از تپش افتاد و برای همیشه چشم از جهان فرو بست. طبق اطلاع خانواده و بستگان رفیق توفیق، ایشان بر اثر ایست قلبی در بیمارستانی در استکهلم جان عزیزش را از دست داد.

رفیق توفیق کمونیستی قدیمی و از چهره های شناخته شد و محبوب در کردستان بود که نزدیک به پنج دهه برای آزادی و برابری و جامعه انسانی تلاش و مبارزه کرد. رفیق توفیق از دوره قیام و فعالیت در اعتراضات توده ای علیه حکومت پهلوی تا فعالیت در "جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب" در سنندج، فعالیت در "بنکه ها" در محلات سنندج پس از قیام ۵۷، فعالیت در سازمان و احزاب کمونیستی از کومه له و حزب کمونیست ایران تا حزب کمونیست کارگری و حزب حکمتیست و سپس فعالیت مستقل در عرصه های مختلف در کشور سوئد، همواره به عنوان کمونیستی متعهد برای برابری و جامعه ای سوسیالیستی کوشید.

حزب حکمتیست (خط رسمی) در گذشت توفیق عزیز را به همسرش شیرین، فرزندان عزیزش مارکوس، ملینا و ملیسا، به رفقا بختیار پیرخضری و وریا نقشبندی، به بستگان، دوستان و رفقاییش و به مردم آزادیخواه سنندج تسلیت میگوئیم، خود را در غم از دست دادن او شریک میدانیم و یاد عزیزش را گرامی میداریم.

گرامی باد یاد و خاطره رفیق توفیق پیرخضری عزیز

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست (خط رسمی)

۲۵ مارس ۲۰۲۶

قدرت طبقه کارگر در شکل و تخریب اوست!

باتلاق جنگ ویرانگر!**"ما کمر راست می‌کنیم"****مفتر محمدی**

امروز تمام بحث جنگ طلبان این است که مردم تلاش خود را کرده اند اما هر بار جواب رژیم سرکوب بوده است. در نتیجه مردم مایوس و خسته اند و دنبال کمک و ناجی هستند و این ناجی امروز رسیده است! این استدلال فریبکارانه بر دو فرضیه گمراه کننده استوار است.

یکی، این که اگر مردم خسته اند و عاصی و گأها مایوس نه به این خاطر است که فکر می کنند دیگر نمیتوانند کاری بکنند، نمیتوانند تغییری بوجود بیاورند. تجارب جنبش های اجتماعی تا کنون اثبات میکند که تمام تلاش جامعه این بوده و هست که آزادی و رفاه و معیشت تامین شود. این میدان مبارزه دایمی مردم با دولت و سرتاپای نظام بوده است.

جنبش آزادی زن در شهریور ۱۴۰۱ شاهدهی غیر قابل انکار است که اعتراض به حجاب اجباری که یکی از ارکان رژیم اسلامی است توانست یک عقب نشینی مرگبار را به دشمن خود تحمیل کند، گشت ارشادش را برچیند و لایحه حجاب و عفافش را به آشغالدانی بفرستد. این یک پیروزی بزرگ بود. شعار زن، زندگی آزادی هم سراسر ایران را در بر گرفت و هم مرزها را در نوردید و با استقبال جهانی بخصوص در میان زنان آزادیخواه و برابری طلب روبرو شد. این گامی به سمت یک انقلاب اجتماعی است.

این جنبش تنها مقاومت زنان در برابر قوانین تبعیض آمیز حجاب اجباری نبود، بلکه ساختار مردسالاری و شریعت اسلامی و نظام سرکوبگر را به چالش کشید. حقانیت و قدرت این جنبش نه تنها رژیم تا دندان مسلح را به تمکین و عقب نشینی کشاند بلکه راست ارتجاعی در اپوزیسیون بویژه شاه پرستان را بشدت خشمگین و مایوس و مخالف هیستریک آن ها را برانگیخته است.

استدلال خائنه و گمراه کننده دوم، این است که میگویند مردم مایوس و خسته به دنبال کمک و ناجی هستند. اپوزیسیون بورژوازیی تبهکار، با سازماندهی یک پروپاگاندا عظیم شبانه روز به جامعه تلقین کردند که شما نمی توانید به تنهایی رژیم را سرنگون کنید. مگر نمی بینید چگونه شما را قتل عام میکنند. راه نجات شما دخالت خارجی و جنگ است. پس منظر باشید ترامپ گفته است "کمک در راه است" و "کمک رسید!"

پروپاگاندا و تحریکات و وعده های شرم آور اپوزیسیون راست ارتجاعی بویژه سلطنت طلبان مردم را در میانه یک اعتراض اجتماعی با دستان خالی به جنگ رژیم تا دندان مسلح فرستاد. سرنوشت این خیانت تبهکارانه نتیجه اش کشتار جمعی در یک جنگ نابرابر و به شدت گمراه کننده بود.

ما قبل از آغاز حمله نظامی به ایران گفتیم این جنگ ما مردم ایران نیست. دود این جنگ نهایتاً به چشم مردم میرود. گفتیم دشمنان مردم اهداف دیگری زیر پوشش وعده های فریبکارانه دارند. گفتیم نتیجه این جنگ جز کشتار و ویرانی و آوارگی و تخریب زندگی و امنیت و سلامت جامعه نیست. گفتیم هدف ترامپ جنایتکار، رام کردن جمهوری اسلامی و کشاندنش به کمپ غرب و منافع سیاسی و اقتصادی در رقابت با بلوک چین و روسیه است. تلاش کردیم تا گرایشات سیاسی مخالف جنگ یک قطب و بلوک ضد جنگ سازمان دهند. بلکه به کمک همه ی انساندوستان و آزادیخواهان ایرانی در تبعید و افکار عمومی جهانی جنبشی برای جلوگیری از این جنگ راه اندازی شود. این اتفاق نیفتاد چرا که متوجه شدیم کل اپوزیسیون حتی آن بخشی که در حرف با جنگ مخالف بودند، مشغول ائتلاف ها و اتحاد های خود و نوشنن پلاتفرم های رهبری و اداره جامعه پس از سرنگونی جمهوری اسلامی اند. اقدامات و رقابت هایی که با مخاطره ی جنگ و مصیبت های ناشی از آن و اساساً سرنوشت جامعه در نتیجه ی این جنگ و عواقب آن کاملاً نامربوط است. بخشی هم مثل پهلوپست ها و مجاهدین از قبل رهبری و حاکمیت شاهی و دولت موقت مجاهدینی تشکیل داده بودند.

این تحرکات و یارگیری ها و رقابت و خیالپردازی بر سر حاکمیت فرضی آتی این و آن فرقه به اسامی مختلف شاه پرستی و جمهوریخواهی و فدرال و دمکراسی در حالی که خطر جنگ وجود داشت و سرنوشت جامعه را

مخاطره ی فروپاشی و سناریوی سیاه و جنگ داخلی تهدید میکرد، تحرکاتی کاملاً بیربط و بیخاصیت بود.

اکنون و بیش از دو هفته از جنگ خانمانسوز میگذرد، هنوز این خیل بی درد و پرت از واقعیات، به تبلیغ پلاتفرم های خود مشغول اند و تلاش بیدریغ و معناداری برای پایان دادن به این جنگ ویرانگر و کاستن از مصائب آن و کمک مردمانی که زیر آتش بمب و موشک های دشمن جان و مال و زندگیشان در خطر مرگ و نابودی است، دیده نمیشود.

امروز دغدغه جامعه ۹۰ میلیونی ایران پایان این جنگ ویرانگر است. جنگی که نه تنها جمهوری اسلامی را سرنگون نمی کند، بلکه به طول عمر ننگینش میافزاید و سرکوب جامعه را تشدید می کند.

فرقه ی فاشیست پهلوی و مجاهدین چپروتی به جای خود که باید گفت شما به خیالپردازی حکومت شاهی و دولت موقت مجاهدینی مشغول باشید، اما با صراحت کامل به کل اپوزیسیون چپ و راست جامعه میگویم، مهم ترین وظیفه هر حزب و گروه و سازمان و هر انسانی در شرایط جنگ و کشتار و آوارگی و بی پناهی مردم، تلاش برای پایان دادن به این جنایات جنگی است. بگذار این مصیبت از سر جامعه برداشته شود. بگذار جامعه به زندگی عادی و نرمال و بدون ترس مرگ و ویرانی و هراس شبانه روز کودکان زیر غرش بمب ها، برگردد و نفسی بکشد. بگذار مردم جنگ زده و زخمی کمر راست کند، آن زمان جامعه بلد است چگونه از حق و حقوق و معیشت و آزادی و حرمت و کرامت انسانیش دفاع کند. چگونه کارگران و زنان و زحمتکشان و جوانان و کل زحمتکشان گرسنه، به ادامه ی چهار دهه مبارزه خود برمیگردند و همانند جنبش آزادی زن پشت دشمن را به دیوار میکوبند. طبقه کارگر در تلاش است متحدتر و سازمانیافته تر و همبسته و سراسری به مبارزه برای رفاه و معیشت و آزادی و تشکل و اعتراض و تحزب بپردازد. زنان مبارزه برای حقوق برابر کامل با مردان و رفع هر گونه تبعیض جنسیتی را ادامه دهند. جوانان و بویژه دانشجویان به تجارب دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و شعار دانشگاه پادگان نیست برگردند و پیشروی کنند. جامعه ای که کمر راست کند راه مبارزه خود را شناخته و ادامه خواهد داد.

این اعتراض است، جنگ نیست!

امروز به دلیل فشار اقتصادی، درماندگی رژیم از تامین معیشت و سلامت و امنیت جامعه و سرکوب عریان، این فرضیه وجود دارد که مبارزات اقتصادی و معیشتی و آزادیخواهانه دیگر کارساز نیست و موضوع اصلی قیام و جنگ برای سرنگونی است. این فرضیه ای از بن باطل است و اساساً مغایر روند مبارزه و جنبش های اجتماعی برای هرگونه تغییر و دستاورد مبارزاتی است. قیام و انقلاب موضوعی دلبخواهی نیست که هر وقت خواستی فرمانش را صادر کنی. قیام و انقلاب از دل مبارزات اقتصادی و سیاسی برای رفاه و معیشت و امنیت و در انتهای کشمکش های طبقاتی و اجتماعی رخ میدهد. زمانی که این مبارزات به درجه بالایی از سازماندهی و تامین رهبری درونی و افق روشن و اتحاد قدرتمند برسد، توازن قوا به نفع جامعه و دولت تغییر میکند.

این پروسه را جنگ نامیدن نشان بلاهت گرایشاتی است که امروز تحت نام رهبری خودخوانده سلطنت طلبان، دولت موقت مجاهدینی و پلاتفرم های گوناگون تشکل های بورژوازی، بوفور به جامعه تزریق می شود. این ضد سیاست و ضد تحرکات اجتماعی برای تغییر و دستاوردهای ملموس مبارزاتی جامعه است. این روند ضد اجتماعی حتی تغییرات بنیادی جوامع امروز را بر دوش نسلی به نام z، میگذارد تا عمده مبارزات و جنبش های انقلابی را از محتوای طبقاتی تهی کنند. درحالی که به شهادت تاریخ، مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه داران و دولت عامل اصلی و اساسی تغییرات بنیادی به نفع آزادی و برابری و رفاه و خوشبختی جوامع بشری است و لااغر!

فراخوان ها و ادعاها و تحریکات و تشویق به ماجراجویی و هل دادن جامعه به جنگ زودرسی که آمادگی برایش وجود ندارد، سم جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و مانع جدی بر سر راه جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی است. به این دلیل روشن، جامعه و پیشروانش در شبکه های اجتماعی، جنبش های طبقاتی کارگران و جنبش های اجتماعی زحمتکشان تهیدست و زنان و جوانان و دانشجویان و فرهنگیان... باید دخالت از بالای سر مردم و به نیابت از مردم و ادعای رهبری خودخوانده یک "ته" بزرگ بگویند.

فرمان های قیام و جنگ نهایی، ساده انگاری احمقانه و ابلهانه و مغرضانه در



شرایطی که جامعه با رژیم‌هایی که شمشیر را از رو بسته رودر رو است و در شرایطی که جامعه با یک جنگ ویرانگر و تحمیلی مواجه است، عاملی به شدت مخرب و سیاسی کاملاً گمراه کننده و فریبکارانه است.

در چنین شرایطی مخالفت جامعه با جنگ و کشتار و ویرانی و خطر فروپاشی و سناریوی سیاه و جنگ داخلی و مخالفت قاطع با اپوزیسیون ارتجاعی ضد مردم که جنگ و دخالت خارجی را ناجی مردم مینامند، اولویت کنونی و سرنوشت ساز است. جامعه باید با دست زد زدن بر سینه دشمنان خود در لباس دوست به نام حامی و ناجی، بدو از این باتلاق عبور کند.

برای این که جامعه بتواند سرنوشت خود را با دستان خود تعیین کند باید از این موانع عبور کند، سرپای خود بایستد، مستقل و متشکل و یکپارچه و متحد در یک مبارزه همه جانبه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی پشت نظام سرکوبگر سرمایه داران را به خاک بمالد.

جریانات تبهکاری که ترامپ و نتنیاوهی خبیث را حامی و ناجی مردم معرفی میکنند جنایتی هولناک مرتکب میشوند.

مردم ایران امروز این خیانت و خیانت را با گوشت و پوست و استخوان لمس کرده است. به نفرت یک زن ازادخواه از ایران گوش کنید که علیه موجود خبیثی به نام پهلوی که گفت "جنگ تلفات دارد"، از تریبون همین تبهکاران با چشمان خیس فریاد میزند: "ما برای اعتراض به فقر و فلاکت و سرکوب برخواستیم، این جنگ نیست. این اعتراض است، اعتصاب است، جنبشی برای آزادی و رفاه و خوشبختی است. حمله نظامی شما و بمباران شهرها و اماکن عمومی و زیرساخت های اقتصادی جامعه، جنگ است و این جنگ ما نیست. شرمندان باد."

این تنها فریاد یک نفر نیست، این فریاد در گلو خفته ده ها میلیون انسان جامعه ما است. ننگ بر شما دخالتگران تبهکار خارجی و ننگ بر شما که جنگ طلبی و حامی و وکیل و وصی و رهبر خودخوانده ترانشین برای مردم را به نام سیاست به جامعه می فروشید. شما نه سیاست بلکه یک معامله گر کثیف و خانن هستید که برای فریب تعدادی جوان عاصی و ناآگاه به منافع خود و جامعه، شعار کثیف "جاوید شاه" را به مزایده میگذارید. شما اعتراض ما را جنگ مینامید تا بگویید جنگ تلفات دارد. تا ما را سربازان جنگ فرض کنید و خود را فرمانده و رهبر جنگ! ننگ بر رهبران خودخوانده ای که الفبای سیاست را نفهمیده اند. نمونه ی دلک و ابلهی چون رضا پهلوی که به مردم میگوید به فرمان من در چهارشنبه سوری آتش روشن کنید! انگار برای اولین بار است مردم در چهارشنبه سوری آتش روشن میکنند!

شبکه های اجتماعی پایدار و ماندگار

بعنوان یک وظیفه ی فوری و حیاتی باید شبکه های اجتماعی از پیشروان و فعالین بخش های مختلف جامعه تشکیل گردد. از جمله شبکه کارگران سوسیالیست، شبکه زنان برابری طلب، شبکه جوانان محلات، شبکه دانشجویان پیشرو، شبکه پرستاران و پزشکان شرافتمند و انساندوست...

این شبکه ها اگر بهم پیوند بخورند و همبستگی و هماهنگی ایجاد کنند، تاثیر قدرتمندی در تحولات سیاسی و اجتماعی جاری خواهند داشت. این شبکه ها امروز برای مقابله با مصائب جنگ و تامین همیاری در صفوف مردم بر میخیزند. بطوری که مصیبت دیدگان مستقیم جنگ تنها نشوند. کسی گرسنه نماند، آن بخش مردم که اماکن زندگیشان تخریب شده بدون سرپناه نمانند، زخمی ها رایگان مداوا شوند، راه ها و جاهای امن برای حفاظت از جان مردم پیدا شوند و از جمله صدای رسای ضد جنگ و ضد سرکوب از هر طریق ممکن بلند شود.

بعلاوه اهمیت شبکه های اجتماعی در این است که پایداری و ماندگاری خود را حفظ کنند. شبکه های اجتماعی یک بار مصرف نیستند. از آنجا که این جنگ ازلی و ابدی نیست و بالاخره به پایان میرسد، خصوصیت شبکه های پایدار و ماندگار در این است که یک همبستگی و هماهنگی سراسری علیه تبعات جنگ که عبارتند از تشدید سرکوب و تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به بهانه این که کشور جنگ زده و اقتصاد فروپاشیده است، بوجود بیاید. همچنین شبکه های اجتماعی عامل اتحاد و سازمانیابی درون صفوف جامعه از طبقه کارگر تا دیگر بخش های توده ی مردم زحمتکش هستند.

کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان، فرهنگیان، پرستاران، زحمتکشان تهیدست محلات شهرها!

جنگ طلبان تبهکار ما را مستاصل و نا امید و بیچاره فرض می کنند که توان سرنوشتی جمهوری اسلامی و اعاده حقوق خود را نداریم، تا دست جنایتکارانی چون ترامپ و نتنیاوهی را برای تخریب و فروپاشی شیرازه ی جامعه به نام حامی و ناجی ما باز کنند. تا درتخیل بیمارگونه ی خود سوار بر بمب افکن های آن ها در کاخ نیویورک فرود آیند و تاج بر سر بگذارند. تا دولت موقت مجاهدینی در ایران برپا کنند. تا نظام سرمایه و سود را از جمهوری اسلامی گرفته و به یک نظام پادشاهی یا جمهوری دیگر بسپارند و حفظ کنند.

جامعه ما در تداوم جنبش های اجتماعی و ازادخواهانه و برابری طلبانه خود در دی ماه ۱۴۰۴ بپا خاست. اما دشمنان ما در میانه ی این خیزش، اعتراض مردم را قیچی کرده و با فراخوان "بزنیید و بگیرید" خیانتکارانی چون رضا پهلوی، تحریکات مغرضانه و فریبکارانه ی نتنیاوهی که "نیروهای ما در میان مردم است" و شعار "کمک در راه است" دیوانه ی کاخ سفید، جوانان ما را با دستان خالی به جنگ رژیم تا دندان مسلح فرستادند تا از کشته پشته بسازند. و امروز با جنگ ویرانگرشان جنبش ما را چنان به بیراهه برده که کمر راست کردن ما را سخت و دردناک کرده است.

با وجود این ما با صدای بلند و اعتماد بنفس و اتکا به نیروی مستقل خود اعلام می کنیم:

- جامعه ما طبقه کارگر چند ده میلیونی دارد که گلوگاه اقتصادی و حیاتی رژیم را در دست دارد. طبقه ای که با کمونیسم اش نیروی اصلی رهبری و برای رهایی جامعه است.

- جامعه ما جنبش آزادی زن دارد که در یک مبارزه اجتماعی و متحد، ستون دین و شریعت اسلامی ضد زن را فرو ریخته و حرمت و کرامت انسانی را به نصف انسان های جامعه بازگردانده است.

- جامعه ما میلیون ها کارگر و جوان بیکار و زحمتکشان محلات فقیر نشین و حاشیه شهرها دارد. محلاتی که منبع و منشا خیزش های مکرر اجتماعی بوده اند.

- جامعه ما جنبش رادیکال دانشجویی با شعار آزادی، برابری و دانشگاه پادگان نیست دارد.

- جامعه ما میلیون ها فرهنگی و بازنشسته دارد که در یک جنبش بهم پیوسته در همه ی این دهه ها دستانشان را از گلوی دولت مردان جنایتکار بر نداشتند.

- جامعه ایران کردستان انقلابی را دارد که هیچ وقت مشروعیت نظام پلید جمهوری اسلامی را برسمیت نشناخته و یکی از پایگاه های مستحکم و پیشرو دفاع از آزادی و برابری و حاکمیت توده های زحمتکش و الگوی استقامت و پایداری در مقابل رژیم تا دندان مسلح است.

مردم!

زخم دشمنان خارجی و داخلی و تبهکاران در لباس دوست، بر بدن جامعه ما عمیق است. ما تلاش میکنیم مصائب این جنگ را کاهش دهیم. ما مخالفت خود با این جنگ ویرانگر را فریاد میزنیم. ما شبکه های اجتماعی را از کارخانه تا دانشگاه و صفوف زحمتکشان محلات شهرها سازمان میدهیم، ما کمر راست میکنیم! ما امروز دشمنان خود را در لباس دوست در صفوف اپوزیسیون ارتجاعی و مالیخولیایی، همچنان جمهوری اسلامی، علیه مبارزه ازادخواهانه و برابری طلبانه مان را بهتر شناختیم و دست زد بر سینه شان میزنیم. جامعه ی بپاخاسته ی ما با شعار آزادی، برابری و سوسیالیسم، راه رهایی خود را می پیماید.

اسفند ۱۴۰۴



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سر دبیر کمونیست: احمد مطلق

amotlagh28@gmail.com



صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: [instagram.com/hekmatist_official_line](https://www.instagram.com/hekmatist_official_line/)

فیسبوک: [facebook.com/Hekmatist.ol](https://www.facebook.com/Hekmatist.ol/)

سر دبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

لندن:

فراخوان به شرکت در مارش علیه جنگ، علیه راست

افراطی

شنبه ۲۸ مارس ساعت ۱۲ ظهر

TOGETHER AGAINST WAR & FAR RIGHT HANDS OF THE MIDDLE EAST

War abroad and hate at home are connected. While bombs fall in the Middle East, the far right grows louder in the UK — spreading racism, division, and fear. They use war to justify borders, violence, and hatred. We refuse both. We stand for solidarity, not scapegoating. For humanity, not nationalism. For peace, not profit.

**12 noon Saturday 28 March
45 Park Lane, W1K 1PN**

Hekmatist.com

Hekmatist (Official Line)

منچستر

سخنرانی امان کفا در میتینگ

جهان در لبه پرتگاه. چرا باید علیه جنگ علیه ایران و

لبنان ایستاد!

سه شنبه ۲۱ مارس

WORLD ON THE BRINK: WHY WE MUST OPPOSE THE WAR ON IRAN AND LEBANON PUBLIC MEETING

TUES 31 MARCH 7.00PM

Cross St Chapel, Cross St, M2 1NL

Speakers:

Andrew Feinstein - Former ANC MP and Author

Maryam Eslamdoust TSSA Gen Sec

Aman Kafa IranFRW

Steve Bell - STW National Officer

Aida Yousefi

Get your free ticket here

